

## بررسی روش‌شناختی سه اثر دستور زبان فارسی در آسیای صغیر متعلق به سال‌های میان ۱۲۸۸ تا ۱۳۱۰ق

علی اشرف صادقی\*، سیده زیبا بهروز\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۵ (صفحه: ۱۷-۴۶)

**چکیده:** هدف از این پژوهش شناسایی روش‌ها و الگوهای تدریس دستور زبان فارسی در آسیای صغیر بر اساس سه اثر شاخص آموزش زبان فارسی در دوره عثمانی است که در این خطه تألیف شده است. با توجه به اینکه زبان فارسی زبان ادبی آن قلمرو بوده، آموزش مبتنی بر قواعد زبان و ترجمه (ترجمه - دستورمحور) رواج بیشتری داشته است. هرچند بحث درباره روشمندی کتاب‌ها در آن زمان بر پایه نظریه‌های جدید زبانی، شاید چندان وجهی نداشته باشد، مقصود دستیابی به اولویت‌های آموزشی و کیفیت و کمیت توجه به زبان فارسی در آن دوره بسیار ارزشمند است. در این تحقیق، سه کتاب قواعد فارسیه بر طرز نوین (۱۲۸۸ق)، مختصر اصول فارسی (۱۳۰۷ق)، و تدریسات فارسیه (۱۳۱۰ق)، مطالعه و روش‌ها و ویژگی‌های متمایز و مشترک آنها بررسی و تحلیل می‌شود. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که کتاب‌ها به تدریج و تحت تأثیر تحولات تاریخی و فرهنگی زمان خود، با

\* استاد دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی (مسئول طرح).

\*\* پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مجری طرح پسادکتر (نویسنده مسئول) (bseyede@gmail.com).

این تحقیق با پشتیبانی «صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور» (INSF) انجام شده است.

رویکردی کلی‌گراتر، به زبان و آموزش آن پرداخته و به زبان‌شناسی کاربردی نزدیک شده‌اند. این روند آغاز جریانی است که در دوره تنظیمات (۱۲۱۸-۱۲۵۵ش) اوج یافته و از تکیه بر صرفاً دستور و قواعد و روش تدریس مکتبی خارج شده و از شیوه‌های نوین مایه گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** دستورنویسی فارسی در آسیای صغیر، روش‌های آموزش زبان فارسی، قواعد فارسیه، مختصر اصول فارسی، تدریسات فارسیه، دستور زبان فارسی.

## ۱ مقدمه

یافتن ریشه‌ها و رگه‌های عمیق زبان و ادب فارسی در خارج از مرزهای ایران هدف اصلی شناسایی تبار فراملی این زبان است. زبان فارسی همواره در کشورهای همسایه خود از جمله هند، پاکستان، ترکیه، تاجیکستان و افغانستان علاقه‌مندان بسیاری داشته است. این سابقه درخشان تماماً مولود تمدن کهن پارسی و شاهکارهای ادبی و هنری و قدرت سیاسی این سرزمین است.

پژوهش‌های دستورزبانی، از یک‌سو، به دلیل توجه به ویژگی‌های ماهوی و قواعد خاص هر زبان و از سوی دیگر، به سبب تکیه بر اشتراکات زبان‌ها در اصول، در مطالعات زبانی اهمیت فراوانی دارد. دستورنویسی یکی از حوزه‌های علم زبان‌شناسی است که به بررسی نحوه نوشتن و ثبت مجموعه قواعدی می‌پردازد که ویژگی‌ها و توانایی‌های یک زبان را نشان می‌دهد. این مجموعه قواعد معمولاً در دو مبحث مقولات<sup>۱</sup> دستوری (بحث واژه در خارج از جمله و مجرد، مثل مقولات اسم، صفت، حرف، مصدر و...؛ و مباحث انضمامی، چون مشتق، مرکب، بسیط، جمع و...) و نقش‌های<sup>۲</sup> دستوری (بحث واژه در درون جمله و بافت کلام، مثل فاعل، مسند، متمم، و...) بررسی و طبقه‌بندی می‌شوند. در زبان عربی نیز دو مبحث صرف و نحو یا تجزیه و ترکیب از هم متمایز شده‌اند.

1. categories

2. functions

دستورنویسی به شیوه سنتی که خاص آثار کلاسیک است به تدریج، با نظریات جدید، تحول یافت؛ نظریاتی همچون نظریه زبان شناسان ساختگرا از جمله سوسور<sup>۱</sup>، زبان شناس و نشانه شناس سوئیسی، که نظام اجزا را بر خود اجزا مقدم می دارند و زبان را بافتی زنجیره‌ای و خطی می دانند (← باقری: ۱۵۲)، نظریه چامسکی، که به اصول (قواعد مشترک زبان‌ها) و پارامتر (قواعد متمایز هر زبان) معتقد است (Cook & Newson: 2).

در زبان فارسی، در این حوزه به گونه‌ای علمی و روشمند کاری صورت نگرفته و تنها در دوران اخیر بدان توجه شده است. گذشته از لسان‌العجم (۱۳۰۵ق)، نوشته میرزا حسن بن محمدتقی طالقانی، که کتابی دستورگونه برای کلاس‌های دارالفنون است و دستور سخن (۱۲۸۹ش)، نوشته میرزا حبیب اصفهانی و آثاری دیگری چون دبستان فارسی (۱۳۰۸ش)، خلاصه رهنمای فارسی (۱۳۰۹ش) و رهبر فارسی (۱۳۱۰ش) در استانبول (← باطنی: ۲۲)، نخستین دستورهای فارسی را غیرفارسی‌زبانان در دو منطقه شبه‌قاره و آسیای صغیر نوشته‌اند.

دستورهای زیادی که در دوره حکومت عثمانیان نوشته شده است، برخلاف دستورهای شبه‌قاره که به زبان فارسی، اردو یا انگلیسی‌اند، بیشتر به زبان عربی یا ترکی عثمانی‌اند؛ مانند تاج‌الرؤوس و غرة‌النفوس، تألیف احمد بن اسحق قیسری (قیصری)، از اهالی قیساریه روم، در تاریخ پیش از ۸۹۸ق. این اثر در کتابخانه‌های یوگسلاوی نگهداری می‌شود و عکس ابتدا و انتهای نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ف ۲۰۱۶ موجود است (← دانش‌پژوه: ۶۳۶). آنچه از این صفحات اندک برمی‌آید این است که این کتاب از قدیمی‌ترین نسخه‌های مربوط به دستور زبان فارسی به زبان ترکی عثمانی است و تاحدی جامع قواعد و ساختار زبان فارسی را بررسی کرده و مشتمل است بر یک مقدمه و دو باب. باب اول در بیان مصادر [و اشتقاق اسامی دیگر از آن] و باب دوم در بیان صیغه‌های فعل [و صورت‌های

مثبت و منفی]. مؤلف کوشیده است که به شیوه‌ای روشمند به توضیح ساخت کلمات در زبان فارسی بپردازد و قواعد اشتقاق و تغییرات حروف و ابدال آنها و نیز چگونگی صرف آنها را بیان کند. ترجمه فارسی بخشی از مقدمه در ذیل آمده است:

کلمه اول به سه قسم منقسم است: اسم و فعل و حرف که ادات هستند. اما اسم یا مشتق است یا غیرمشتق که همان اسم جامد است. اما اسم مشتق در زبان فارسی شامل اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه و اسم مصدر است و غیر از اینها اسامی غیرمشتق هستند. اما فعل چهار قسم است: فعل ماضی، فعل مضارع، امر و نهی. فعل ماضی مثبت یا منفی است که همان جحد است. همچنین فعل مضارع مثبت یا منفی است که نفی هستند، و امر یا حاضر است یا غایب. پس اقسام و امثال گوناگون فعل هشت است: ماضی مثبت و منفی، مضارع مثبت و منفی، امر حاضر و غایب، و نهی حاضر و غایب ... (قیصری، صفحه نخست).

روش کلی این کتاب در باب مصادر و اسامی و نیز باب افعال همان است که به‌ویژه تا نیمه قرن سیزدهم، یعنی پیش از آغاز دوره تنظیمات، دستورنویسان در پیش گرفته‌اند و با تفاوت‌هایی کم و بیش در اصطلاحات دستوری و ترتیب و تأخر درج آنها اقدام به نوشتن دستور زبان کرده‌اند. از محتوای مقدمه به نظر می‌رسد که در این کتاب به شکل صحیح و فراگیری مباحث بیان شده باشد و، صرف‌نظر از صیغه عربی، عاری از آن دست اشکالاتی باشد که در کتاب‌های متأخرتر دیده شده است، که در این مقاله به برخی از آنها اشاره می‌شود.

این کتاب با وجود آنکه در دوره‌ای نوشته شده است که الگوی صرف و نحو عربی در تألیف دستور زبان جاری می‌شد — کما اینکه در اصطلاحات دستوری به‌کاررفته از قبیل جامد، صفت مشبیه، فعل جحد و ... دیده می‌شود — ساختار سه‌گانه اسم، فعل، حرف الگویی است که در غالب کتاب‌های دستور فارسی در ایران نیز که به دستور سنتی مشهور است دیده می‌شود. در سده‌های نهم و دهم هجری، کتاب‌های بسیار پرمحتوای دیگری نیز نوشته شده است که صرفاً بخشی از مباحث دستوری مثل ساخت‌واژه و پسوندها را بیان می‌کند؛ مانند قواعد و فوائد که رساله مختصری است متعلق به ۹۸۶ق از نویسنده‌ای متخلص به «تمامی»

(← فکرت: ۳۶۴۵/۲)، در بیان اقسام و انواع حروفی که به آخر کلمات فارسی می‌پیوندند و قواعد و معانی آنها؛ مانند انواع یاء، ستان، بار، زار، ین و... به همراه شواهدی از شعر شاعران معروف چون سعدی، فردوسی و مولوی... و نیز مصادر (← تمامی: ۲۲۹-۲۶۱). از این دهه آثار دیگری نیز - به صورت فرهنگ - به مباحث دستوری و دقایق آن در ساخت کلمات و معانی توجه کرده‌اند؛ مانند دقایق الحقایق، از احمد بن سلیمان معروف به «کمال پاشازاده»، متعلق به ۹۸۶ ق (← فکرت: ۳۶۴۵/۳؛ فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی: ش ۸۵۶؛ شیرازی: ش ۱۰۱)، که بیشتر، با آوردن شواهدی از اشعار فارسی و نیز مترادف‌های ترکی واژه‌های فارسی، کوشیده است قواعد اشتقاق را بیان کند؛ مثال:

در بیت «سخن گوی و بربط زن و خوش سرود/ جواب روان دست ایشان به رود» گوی اسم فاعل در، «گوینده» دن ترخیم اولنمشدر، «گوی» صیغه مشتکره در، امر معناسنه دخی گلور، سوبله دیبجک یرده بگوی درلر نتکه بو بیتده واقع اولیور: «صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را/ که سر به کوی و بیابان تو داده‌ای ما را» «بگو» نک اصلی «بگوی» در که آخرنندن «یا» حذف اولنمشدر؛ الف گمی یانک خصوصاً آخر کلمدن، لسان فارسیده، شایع در؛ مثلاً روح‌افزا، سمنسا، روح‌افزای، سمنسای در... (کمال پاشازاده: ۲۶۶).

آثاری هم به زبان عربی، در این دوران، در دولت عثمانی تألیف شده است؛ مانند نحو فارسی، در ۹۵۷ ق (مهیاری: ۳۹). کتاب‌های پرشمار دیگری نیز در طول سده‌های بعد به تألیف درآمدند؛ مانند تصریفات فارسیه، تألیف بولوری در ۱۲۶۷ ق (اینال صاوی: ۲۹۰)، علاوه‌لی اصول فارسی (۱۳۰۷ ق) و سؤالی جوابلی قواعد فارسیه (۱۳۱۷ ق). کتاب‌های انشانویسی و آموزشی - درسی زبان فارسی نیز در این گروه قرار می‌گیرند (← رشنوزاده: ۳۸۲-۳۸۵)، که ظهور و شکل‌گیری تدریجی رویکرد و روش نوینی را در پرداختن به زبان و قواعد آن نشان می‌دهند. از دوره تنظیمات، در تحقیق حاضر، سه کتاب مهم دستور زبان فارسی معرفی و محتوای آنها، به لحاظ روش ارائه مباحث، و همچنین نقش آموزشی آنها بررسی شده است، تا افزون بر دریافت تمایزات این دست کتاب‌ها، نکات ارزشمندی درباره میزان اهمیت زبان فارسی در آن قلمرو به دست آید.

## ۱-۱ پیشینه تحقیق

این تحقیق یکی از شاخه‌های مطالعات زبان فارسی است که محدوده آن قلمرو آسیای صغیر است؛ از این رو، کمتر توجه محققان آن حوزه را به خود معطوف داشته است. از زمان تحول و پالایش زبانی ترک‌ها، جز فرهنگ‌ها و برخی آثار ادبی کانون پژوهش آنها نبوده و اثری در این باب پدید نیامده است. اما این مهم برای فارسی‌زبانان جای بسی تحقیق و کاوش دارد. تحقیقات پراکنده‌ای که تاکنون در ایران، چه در باب دستورنویسی در ایران چه در خارج از مرزهای ایران، انجام شده صرفاً کتاب‌شناسی یا ذکر نامی از آنها را دربر گرفته است؛ مانند کتاب‌شناسی دستور زبان فارسی از محمد مهیار، و اثر دیگری با همان عنوان از ایرج افشار، و مقاله‌های این دو محقق، و همچنین تحقیق دیگری با عنوان «دستورنویسی در دوره تنظیمات» به کوشش صائمه اینال صاوی در دانشگاه آتاتورک که حاوی مباحث موجز و کلی درباره تحولات دستورنویسی در دوره تنظیمات است، کتاب‌شناسی توصیفی آرفا: آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، تألیف مهدی قره‌گزی و مهرداد اصغرپور ماسوله، زیر نظر محمد دبیرمقدم، و کتاب‌شناسی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان از حسن ذوالفقاری. بدیهی است هیچ‌گونه بررسی و تحلیلی در باب محتوا و شیوه‌ها و کیفیت و کمیت مواد ارائه شده در کتاب‌ها انجام نشده و ارتباط آنها با عناصر بیرونی و تاریخی و اجتماعی از دایره تأمل و توجه زبان‌پژوهان خارج بوده است. با توجه به اینکه زبان و ادب فارسی دارای پیشینه قوی در این منطقه است که اهمیت این زبان را از گذشته تا کنون نشان می‌دهد، بررسی، معرفی و نقد تألیفات مربوط به دستور زبان فارسی به عنوان سند رسمیت زبان و پیش‌زمینه‌ای علمی برای استفاده در امر برنامه‌ریزی زبان فارسی، با هدف گسترش و حفظ زبان فارسی به عنوان زبان اول و دوم (خارجی) بر اساس چشم‌انداز ده‌ساله بسیار لازم و اساسی است.

## ۲-۱ روش تحقیق

در این تحقیق، روش‌های معهود در علوم انسانی دخالتی ندارد. داده‌ها شامل همان محتوای

منابع موجود و متون آنهاست و در درجهٔ نخست کشف نظام و تحلیل ساختاری خود اثر اهمیت دارد. پس از آن، باید دریافت که، در مورد هر منبع، محتوای علمی آن به فراخور موضوع تا چه حد با معیارها و استانداردهای علمی آموزش زبان یا دستورنویسی مطابقت دارد، تا بدین وسیله بتوان ارزیابی درستی از آنها به دست داد؛ یعنی مشخص کرد که یک اثر تا چه میزان توانسته است یا خواهد توانست در امر گسترش و حفظ زبان نقش داشته باشد. بدین منظور، آثار در دو سطح بررسی می‌شوند: (۱) سطح درون‌زبانی<sup>۱</sup>، یا، به عبارتی، زبان‌شناختی محض، که به زبان به صورت مجرد و مستقل از محیط بیرون یا زمان یا شرایط خاص مربوط می‌شود؛ مثل فراگیری و جامعیت اثر، درستی و اصالت محتوا و رسایی زبان آن؛ (۲) سطح بیرون‌زبانی<sup>۲</sup>، یا، تحت عنوان عام‌تر، زبان‌شناختی اجتماعی<sup>۳</sup>، که شامل عوامل بیرونی مؤثر بر زبان است؛ یعنی هویت و شأن اجتماعی زبان و عوامل فرهنگی (Crystal: 422). از آنجا که آثار مورد مطالعه در این تحقیق به لحاظ زمانی چندان دور از هم نیستند، عوامل درون‌زبانی و تحلیل محتوا برجستگی بیشتری در پژوهش دارند.

### ۱-۳ اوضاع تاریخی - فرهنگی

اوضاع فرهنگی آن سال‌ها، یعنی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، تحت تأثیر تحولات تاریخی و سیاسی پیشین، دستخوش تغییرات چشمگیری بود. در اواخر قرن هجدهم میلادی، نفوذ آموزش غربی، در کنار تغییرات اقتصادی و اجتماعی، در حال گسترش بود و به تدریج قلمرو عثمانی به تحقق آرمان‌های به‌ظهورنرسیدهٔ خود از زمان تنظیمات و صدور خط همایون گلخانه در زمان عبدالحمید اول (۱۲۵۵-۱۲۷۷ق) نزدیک می‌شد. پیدایش دانشگاه تحت حمایت حکومت در زمان سلطان عبدالحمید در ۱۸۴۵م، و غربی شدن مدارس عثمانی در شیوه اداره و برنامه‌ریزی درس‌ها بر پایهٔ قانونی مصوب ۱۸۹۶م از جملهٔ این تغییرات بود (← داویسون: ۵۵۰-۵۵۹). سلطان عبدالحمید، برای کنار گذاردن مقاماتی که مغضوب او بودند

1. intralingual factors

2. extralingual Factors

3. sociolinguistics

و به منظور ایجاد ثبات و پایان دادن به آشفتگی، سعی کرد آنهایی را تقویت کند که در آینده بتواند به آنها متکی باشد و فرمانش را برده و به کثورش خدمت کنند؛ بدین منظور، ملکیه، نخستین مرکز تحصیلات عالی اداری امپراتوری، را مجدداً سازماندهی کرد تا جایی که تعداد دانشجویان آن دوازده برابر زمان پدرش شد. تأسیس دانشکده جنگ حربیه، گسترش نظام آموزشی با افتتاح هجده مدرسه عالی حرفه‌ای، و سرانجام تأسیس دانشگاه استانبول تحقق نهایی طرح تنظیمات بود (کین‌راس: ۵۵۶-۵۵۷). همین تحولات چشمگیر موجب افزایش کشش ایرانیان ناراضی از حکومت قاجار بدانجا و اوج گرفتن فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، ادبی و همچنین انتشار جراید مختلف شد، که به افزایش آگاهی مردم ایران و برپایی نهضت مشروطیت کمک شایانی کرد (بزرگ بیگدلی: ۱۷). در حیطه دستورنویسی نیز این امر تحول شایانی ایجاد کرد و زبان را از محدود شدن صرف به قواعد سخت و رابطه خطی یک‌طرفه و مکتبی بین طلبه و معلم که مولود توجه صرف به متون کلاسیک و ادبی بود بیرون کشید و در کلیتی چندوجهی از روابط ذهنی، مفهومی، بیانی و دنیای بیرون میان زبان آموز، معلم و متن قرار داد؛ به عبارت دیگر، دستورنویسی به سمت آموزش زبان فارسی آن‌گونه که زبان فارسی هست — به اقتضای پیدایش مناسبات فردی و اجتماعی بین ایرانی‌ها و ترک‌ها — پیش رفت. این فرایند از بررسی محتوای بسیاری از کتاب‌های دستور و آموزش زبان فارسی در قلمرو عثمانی از بدو ظهور، یعنی از قرن نهم و دهم، تا اواسط قرن چهاردهم هجری مشهود است.

## ۲ معرفی و تحلیل آثار

اکنون پس از مقدمه و توضیح اجمالی در باب تحقیق حاضر، ساختار آثار و روش و نکات مهم هریک از آنها توصیف و تحلیل می‌شود.

### ۲-۱ قواعد فارسیه بر طرز نوین

این کتاب نخستین اثر محمد نعیم فراشری، شاعر فارسی‌سرای آلبانی، از خلفای قلم مطبوعات، در دستور زبان فارسی است که در درساعات (استانبول)، در مطبعه مهندسیان،



در سال ۱۳۸۸ ق چاپ شده است. این کتاب در ایران نیز به کوشش دکتر سعید بزرگ بیگدلی در مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی و با همکاری دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. مؤلف در آغاز گفته است:

به یاری خداوند سبحان، از آنجا که قواعد هر زبان کلید سهولت و محور مهم یادگیری آن زبان است، به جهت اهمیت مسلمی که زبان شکرشان فارسی در نظر ما دارد، این کتاب به قلم این حقیر به طرز نوین تدوین یافت (← نعیم فراشری: ۱۳۸۸ق: ۵).

## ۲-۱-۱ ساختار کتاب

کتاب مشتمل بر مقدمه و دو فصل است؛ یکی در بیان کلمه و دیگری در بیان ترکیب. در مقدمه این موارد ذکر شده است: ۳۲ حرف فارسی و حرکه‌ها (فتح، کسره، ضمه)؛ حروف مد (آ، او، ای)؛ و واو مقبوضه و مبسوطه، مثل روز و زور؛ هاء رسمیه (حرف آخر مفتوح)، مثل بنده و پرده؛ واو بعد از خاء که اگر همراه با الف باشد، بین واو و الف تلفظ می‌شود، مثل خواجه و خوار و اگر همراه با یاء باشد، بین واو و یاء تلفظ می‌شود، مثل خویش.

• **فصل اول، در بیان کلمه:** کلمات را به شش نوع تقسیم کرده است: اسم، صفت، کنایه، فعل، ظرف، ادات؛ و هریک را در بابی معرفی کرده است.

**باب اول، در بیان اسم:** پس از تعریف اسم، آن را به دو نوع علم و جنس تقسیم کرده است. سپس درباره کمیت (مفرد و جمع) و قواعد آن و احوال اسم (مجرد، مفعول<sup>۱</sup> به، مفعول<sup>۲</sup> الیه، و مضاف<sup>۳</sup> الیه) توضیح داده و نمونه‌هایی آورده است؛ مثال: مجرد: بنده (قول)، مفعول<sup>۱</sup> به: بنده را (قولی)، مفعول<sup>۲</sup> الیه: بنده را (قوله)، مضاف<sup>۳</sup> الیه: کار بندکان (قولک).

**باب ثانی، در بیان صفت:** پس از تعریف، درباره ترکیبات وصفی و رابطه تعداد در آن و جانشینی به جای اسم و صفات تفضیلیه توضیح داده و مثال آورده است. همچنین اسماء اعداد را در شمار صفات بیان کرده که مشتمل است بر چهار قسم اصلیه، رتبه، کسریه و توزیعیه.

**باب ثالث، در بیان کنایات:** کنایه را لفظ غیر صریحی دانسته که بر شخص یا شیء دلالت می‌کند و چهار قسم است: مضمورات (ضمایر منفصل و متصل)، اسماء اشاره (این و آن)، اسم موصول (که و چه پس از آن یعنی آنچه) و مبهمات (تجربیده: خود و خویش...، استفهامیه: که و کیان، چه و چها، کدام و کدامین و چند؛ مبهمات دیگر مثل کس، هر کس، هر که، هر چه، همه، همگی، یکسر).

**باب رابع، در بیان فعل:** فعل سه قسم است: اصل فعل بدون زمان (مصدر)، با زمان و فرع فعل بدون زمان (ایم فاعل و مفعول). فعل به لحاظ معنا دو قسم است: متعدی و لازم. متعدی نیز دو قسم است: معلوم مثل یافتن (بولمق) و مجهول مثل یافته شدن (بولنمق). به اعتبار زمان، فعل یازده صیغه دارد (مضارع، حال، ماضی شهودی، ماضی نقلی، حکایه حال، حکایه ماضی، استقبال، التزامیه حال، التزامیه استقبال، امر، استمراریه). به اعتبار عدد، مفرد و جمع؛ و به اعتبار شخص، متکلم و مخاطب و غایب دارد. مؤلف برای هر یک از آنها مثال‌هایی را با معادل ترکی صرف می‌کند.

**باب خامس، در بیان ظروف:** بر دو نوع است: ظروف زمانیه، مثل کی (فاچ آن)، امشب (بوگیجه)، پار (کچن سنه)، هرگز (ابدی)، تا (مادام) و ...؛ و ظروف مکانیه، مثل نزدیک (یقین)، درون (ایچرو)، اینجا (بوراده)، کجا (ترده) و ...، که گاهی به یک اسم مضاف می‌شوند، مثل پس پرده، درون خانه، نزدیک کوه که از این حیث حروف جاره نیز محسوب می‌شوند.

**باب سادس، در بیان ادوات:** بر دو نوع است: ادوات جاره (مثل در، بر، از، چون، برای و ...؛ همان حروف اضافه در فارسی) و ادوات رابطه شامل ادوات عطفیه، شرطیه، سببیه، غائیه، انتهاییه، استثناییه، خلاصه و تردیدیه (مثل و، اگر، تا، که، چون، که، اما، یا، و ...؛ همان حروف ربط در فارسی).

• **فصل ثانی، در بیان ترکیب:** کلمات فارسی یا بسیط‌اند یا مرکب. کلمات مرکب یا از دو کلمه بسیط یا از یک کلمه بسیط و یکی از ادوات مرکبه تشکیل می‌شود. ترکیب وصفی از دو کلمه ساخته شده که یا اسم یا صفت هستند. ادوات مرکبه نیز بر دو نوع‌اند: ادواتی که به اسماء مرکبه الحاق می‌شوند؛ ادواتی که به صفات مرکبه لاحق می‌شوند. که هر یک را بر شمرده و معانی را با مثال بیان کرده است.

در انتها غلطنامه‌ای نیز به کتاب افزوده شده است.

## ۲-۱-۲ روش و نکات

در اینجا به روش کلی کتاب در ارائه قواعد و آموزش آن و برخی ویژگی‌ها و نیز کاستی‌ها یا اشکالاتی که در آن به چشم می‌خورد اشاره می‌شود:

(۱) این کتاب به لحاظ دربرگرفتن عمده قواعد ضروری فارسی کتابی نسبتاً جامع است. (۲) تعاریف و به‌ویژه نحوه بیان قواعد تبدیل و تغییرات حروف در ساخت واژگان، یعنی آنچه به ماهیت اصلی و طبیعت زبان فارسی مربوط می‌شود، دقیق و صحیح است؛ همان ویژگی که در اکثر کتاب‌هایی از این دست وجود دارد؛ مثال: «بعض کره ضمیر متصل فعله ملحق اوله‌جق‌یکن اکا قریب بر اداته یا خود بر اسمه ملحق اولور آگاهی ضمیری که به فعل متصل می‌شود به یکی از ادات نزدیک به آن یا به اسم افزوده می‌شود؛ بگو تات خوانند یل رهنمای = بگو تا خوانندت یل رهنمای» (همان: ۳۳).

(۳) هرچند مؤلف در ابتدای کتاب بیان کرده است که آن را با هدف سهولت یادگیری زبان فارسی نوشته است - در واقع دستور زبان به معنای صرف است - و حتی شاخصه‌های آموزش سنتی زبان فارسی در آن یافت نمی‌شود. تنها به ساخت کلمات، اجزای آن، قواعد ابدال، ترکیب، تصریف و معانی دقت شده است.

(۴) نیاز به حضور فیزیکی استاد به عنوان مخاطب برای تبادل مفاهیم ندارد. اگر هم استادی آن را درس بدهد انتقال‌دهنده صرف اطلاعات به شیوه مکتبی خواهد بود و از هرگونه تمرین و به‌کارگیری اندیشه و ذهن زبان‌آموز خالی است.

(۵) در مواردی، از قواعد زبان ترکی برای زبان فارسی استفاده کرده است. دو نکته اساسی در این باره اهمیت دارد؛ نخست اینکه در آموزش یا توصیف قواعد دستوری بهترین و طبیعی‌ترین کار استنباط<sup>۱</sup> و کشف قواعد از درون زبان است؛ یعنی باید قوانین جزئی از کلیت زبان برآید. اما عکس آن یعنی استقراء<sup>۲</sup> هم در امر آموزش صادق است، یعنی همین شیوه ترجمه - دستورمحور (Larsen-Freeman: 16) →، اما به شرطی که قبلاً به همان شیوه استنباط جزء از کل استخراج شده باشد. دیگر آنکه، در خصوص کاربرد یک قاعده در زبان

1. deductive

2. inductive

دست کم قاعده، زبان فارسی باید در نظر گرفته شود، نه قاعدهٔ زبان ترکی برای فارسی؛ مثلاً برای امر حاضر یا مضارع التزامی ذکر نشده است که همراه با «ب» می‌آید و همه‌جا بدون «ب» و مطابق با استعمال ترکی آورده است: امر: است (طور)؛ التزامیهٔ حال: استم (طوره‌یم).

۶) تعاریف در مواردی مطابق با کاربری زبان فارسی نیست؛ مثلاً در مورد صفت تفضیلیه به‌درستی توضیح داده، اما صفت عالی یا برترین را به اعتبار تأکید بر صفت تفضیلیه تعریف کرده است: «و تفضیلی تأکید ایچون {تر} اداتنه {ین} علاوه اولنور و بو تقدیرده صفت تفضیلیه مفضل منهه مضاف اولنور» (نعیم فراشری: ۲۸). یا در همان بحث صفت، آورده است که چنانچه صفت مضمون یک جمله را توصیف کند، جزو ادات کیفیه<sup>۱</sup> واقع می‌شود؛ مثلاً: چه خوش گفت (نه گوزل سوپلیدی). حال آنکه در زبان فارسی چنین تعریفی برای قید به کار می‌رود و قید تعریفی فراتر از این دارد. ۷) هیچ‌گونه جمله‌ای به زبان فارسی در کتاب ارائه نشده تا روابط نحوی و سازه‌ای آن و کاربرد معانی گوناگون برای زبان‌آموز مشخص شود؛ و از حد واژه و، در نهایت، ترکیبات دوکلمه‌ای فراتر نرفته است و، از این حیث، جنبهٔ کاربردی در کتاب مغفول مانده است. این اشکال زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که فهم معنای برخی از لغات به بافت جمله و کاربرد بستگی دارد؛ مثلاً دو مصدر «بودن» و «شدن» در زبان ترکی معادل واحد دارند: اولمق. در کتاب دو جا اولمق صرف شده است؛ یک بار در ترجمهٔ «بودن» و یک بار در ترجمهٔ «شدن»؛ برای نمونه:

### شدن (اولمق)

مضارع: ام / بوم / باشم (اولورم)، ای / بوی / باشی (اولورسین) مضارع: شوم (اولورم)، شوی (اولورسین)

حال: می‌باشم (اولیورم)، می‌باشی (اولیورسین) حال: می‌شوم (اولیورم)

التزامیه حال: که باشم (اوله‌یم) التزامیه حال: که شوم (اوله‌یم)

التزامیه ماضی: که بوده باشم (اولمش اوله‌یم) التزامیه ماضی: که شده باشم (اولمش اوله‌یم)

امر: باش (اول)، باشد / باد / بادا (اولسون)<sup>۲</sup> امر: شو (اول)

۱. منظور از ادوات، در این کتاب، حروف (اعم از اضافه و ربط) و تمام انواع وندها و همچنین قیدهاست و ادوات کیفیتی شامل چون، چنین، چنان، ناگاه، هرآینه و ... است.

۲. در این کتاب، صیغهٔ امر با آنچه در زبان فارسی التزامی خوانده می‌شود مخلوط شده است؛ چرا که مثلاً در جملهٔ «مبارک باشد / باد / بادا» مفهوم آرزو نهفته است، نه امر. این طرز تصریف نیز از همان قاعده‌محوری و قیاس استقرائی نشئت می‌گیرد.

برای زبان آموز تمییز بین این دو صرفاً در جملاتی از این قبیل روشن می‌شود که در متن نیامده است: شراب سر که اولدی (شراب سر که شد)، طبیب اوله جغم (پزشک خواهم شد)، خسته اولمشم (مریض شده‌ام)، دفع اولدیلم (دفع شدند) (← سامی فراشری)، اوده اول (در خانه باش)، ایشده اوله جغز (سر کار خواهیم بود)، آدم اول (آدم شو)؛ پاره‌مز اولورسه بونی آلیرز؛ (اگر پول باشد (موجود باشد) این را می‌خریم)؛ (← همان) مبارک اولسون (مبارک باشد). از این رو، در مثالی مانند صباح ایشده اولورم/ اولوریم (صبح سر کارم/ هستم)، بر اساس آنچه در کتاب آمده است، شقوق دیگر، یعنی بوم و باشم، با آن مطابق نیست. اولمق نه در معنای صیروت بلکه در معنای «کون و وجود داشتن» در زبان فارسی در وجه التزامی غالباً معادل باشد/ بؤد است، در وجه حال/ مضارع معادل بؤد/ می‌باشد/ هست و به ندرت باشد است. (۴) چنان که آمد، به گفتمان زبان فارسی در برخی موارد توجه نشده است؛ مثلاً در مورد صرف بعضی زمان‌ها از افعال نامناسب و نادر زبان فارسی استفاده شده است، مثل «باوریدن». هر چند ممکن است چنین افعالی در زبان فارسی در جایی دیده شده باشد، مثال قراردادن آنها برای صرف همه زمان‌ها مناسب نبوده است. اشکال از آنجا ناشی می‌شود که زبان فارسی را با زبان ترکی مطابقت داده است، در حالی که می‌بایست زبان فارسی را به عنوان زبان مستقل از ترکی و با قواعد و اصول خاص خودش و حتی بدون سعی در انطباق زبان ترکی با آن در نظر می‌گرفت. چنین روندی صرفاً تبدیل زبان ترکی و قواعد صرفی آن به فارسی، و ترجمه محور است، آن هم در حد واژه؛ برای مثال، یکی از زمان‌ها در اینجا ذکر می‌شود؛ اولی زمان استقبال، یا در فارسی آینده، و دومی حکایه حال که در زبان فارسی بدان ماضی استمراری اطلاق می‌شود:

خواهم باورید (اینانه جغم)	می‌باوریدم (اینانوریدم)
خواهی باورید (اینانه جقسین)	می‌باوریدی (اینانوریدک <sup>۱</sup> )
خواهد باورید (اینانه جقدر)	می‌باورید (اینانوریدی)
خواهیم باورید (اینانه جغز)	می‌باوریدیم (اینانوریدک)

۱. در زبان ترکی عثمانی نوعی «ک» با سه نقطه بر روی آن وجود دارد که صدای «ن» می‌دهد. این حرف در ترکی جدید معادل «ن» است و گرنه با صیغه جمع مخاطب یکسان می‌گردید (مثال: صوکره به معنای «بعد» در ترکی استانبولی به sonra و طوکدبرمق به معنای «بخ بستن» به dondurmak و یکی به معنای «جدید» به yeni برگردان شده است) (← سامی فراشری).

خواهید باورید (اینانه جقسکز) می‌باوریدید (اینانوریدکز)  
خواهند باورید (اینانه جقلردر) می‌باوریدند (اینانورلریدی)

یا در مورد مصدر اولمق در زبان ترکی، برای اسم فاعل پر کاربرد آن، یعنی اولان، در فارسی «بونده» را آورده که از موارد بسیار شاذ است و کاربرد آن غالباً در قرون چهارم و پنجم هجری در معنای «تمامی» بوده است: «آن کس‌ها بگرویدند و کردند نیکی‌ها به‌بونده بدهدشان مزد ایشان و بیفزایدشان از فضل او» (طبری: ۱/ ۳۴۱). لفظ اولان در ترکی غالباً با یک صفت همراه است که، اگر به همین گونه در ترکیب می‌آمد، شاید نیازی به ترجمه آن در زبان فارسی نبود یا «است» به جای «بونده» برای آن مناسب‌تر می‌نمود؛ مثال: «پس کل انبیاک ولایت خاصه محمدیه‌یه متعلقه اولان و علوم و اسرارک خواتمنی بیان ایدن بو کتاب ...» (ابن عربی: ۵۵۱)؛ (پس این کتاب متعلق به تمام پیامبران ولایت خاصه محمدیه و بیانگر اسرار و علوم خاتم آن...); در چنین مواردی، اشکال کار در آن است که مؤلف طبق یک قاعده استقرائی عمل کرده است.

همچنین اقتضای زبان ترکی است که اسامی در حالات مختلف نقش‌های دستوراً صرف می‌شود نه زبان فارسی؛ و این بدان دلیل بوده است که این حالت‌ها در آن زبان به صورت پسوند اسمی نشان داده می‌شوند و از این‌رو جزو ساخت اسم قرار می‌گیرند. این شیوه تعریف به طور یکسان در بیشتر کتاب‌های دستور دیده می‌شود؛ مثل:

#### مجرد بنده (قول)                      بندگان (قولر)

مفعول‌به: بنده را (قولی)                      بندگان را (قولاری)

مفعول‌البه: بنده را (قوله)<sup>۱</sup>                      بندگان را (قولاره)

مضاف‌البه: {کار} بنده (قولک)                      {کار} بندگان (قولارک)

– اصطلاحات دستوری هر چند از عربی – آن گونه که در کتاب‌های کهن مثل تاج‌الرؤوس وجود دارد – تا حدودی فاصله گرفته ولی هنوز فارسی نشده است؛ مثلاً برای مضارع، لفظ

۱. «را» در این موارد بدل از حروف اضافه مثل «برای» یا «به» یا کسره اضافه است که در فارسی کهن به کار می‌رفته است (مثال: یارب ... مرا زندگانی ده؛ ... از کار و کردار ایشان مرا افزونی نیست؛ ... شما مرا دو بنده بودید مطیع) (بلعمی:

«حال» را آورده و برای ماضی استمراری، «حکایه حال» و برای صفت فاعلی، لفظ «استمراریه» را به کار برده و در مثال آن آورده است: باوران (برای باوریدن) و استان (برای استادن)، مانان (برای ماندن)، ستایان (برای ستاندن)، که چنین واژگانی در فارسی، در صورت وجود، شاذ است.

## ۲-۲ مختصر اصول فارسی

کتاب موجزی است در اصول فارسی، اثر فیضی، معلم فارسی در مکتب سلطانی که برای تدریس به دانش‌آموزان سال اول [زبان فارسی] نگاشته شده است. این کتاب با مجوز معارف نظارت جلیله و در استانبول، مطبوعه و کتبخانه شرکت مرتبیه آرتین آصادوریان، سنه ۱۳۰۷ق به چاپ رسیده است. مؤلف در مقدمه گفته است:

طبع و نشر مجدد این اثر ناچیز موجب شکر فراوان و بی‌حد است؛ چرا که مظهر توجه و اقبال همگان شده است. لیکن، به تجربه، دریافته شد که اثر مذکور به لحاظ اشتغال و احاطه بر دو بخش صرف و نحو برای مبتدیان مشکل بوده است. از همین رو، این نوبت چاپ که به دانش‌آموزان سال دوم اختصاص داده شده بود، تنها حاوی بخش صرف برای دانش‌آموزان سال اول گردید و بدین ترتیب تدوین یافت (فیضی: صفحه ۳).

## ۲-۲-۱ ساختار کتاب

در این کتاب مختصر، فصل‌بندی چندان معیار مشخصی ندارد. ظاهراً بحثی دارد در جمله و سازه‌های آن و بحثی در امثال، متن و اجزای آن. البته عناوین به آنها اختصاص نیافته است. مؤلف، به شیوه سنتی، با عنوان «مصدر» آغاز می‌کند، اما پس از سه مثال، بدون هیچ گونه تعریف یا توضیح، به سراغ فعل می‌رود و سعی می‌کند بحث مصدر را با ذکر مصادر شاذ، در انتهای مبحث «افعال» دنبال کند. سپس مبحث «اسم و صفت» را گنجانده و با «مصادر قیاسیه» به قواعد پایان داده است، در ادامه، به متون وارد شده و نمونه‌هایی از تمرین عملی برای کاربرد قواعد ارائه کرده است.

مؤلف، در بخش «افعال»، ابتدا یکی از زمان‌های فعلی را صرف می‌کند، سپس یکی از

ملزومات فعل مثلاً ضمایر شخصی را می‌آورد، سپس تعدادی واژه اعم از اسامی، صفات، قیود و حتی فعل اسنادی می‌آورد و، در نهایت، ذیل عنوان نهایی مربوط به هر زمان فعلی، یعنی عنوان «ترکیب»، با آنچه به دست داده جملات و ترکیباتی معنادار ارائه می‌کند، بدون آنکه معادل ترکی آنها را بنویسد؛ مثال:

مصدر: خواندن (اقوماق)، نوشتن (یازمق)، کردن (ایتمق = یایمق).

فعل ماضی: خواندم (اوقودم)، خواندی (اوقودک)، خواند (اوقودی)، خواندیم (اوقودق)، خواندید (اوقودیکز)، خواندند (اوقودیلر).

ضمایر شخصیه<sup>۱</sup>: من (بِن)، تو (سَن)، او (او)، ما (بز)، شما (سز)، ایشان (اَنلر).

لغت: درست (طوغری)، غلط (یاکلش)، خوب (گوزل = ایو)، بد (فنا)، بسیار (چوق)، اندک (آز)، است (در).

ترکیب: «من درست خواندم، او غلط خواند، تو خوب خواندی، ... درس تو اندک است، درس ما بسیار است» (فیضی: ۴).

یا پس از معرفی فعل ماضی، حروف اضافه و نشانه «را» را تحت یک عنوان آورده است:

مفعول ادواتی: را (یی)، از (دن)، در (ده)، ب (ه = کا)، خامه را (قلمی)، از خامه (قلمدن)، در خامه (قلمده)، به خامه (قلمه).

لغت: با (ایله)، کدام (هانکی)، این (بو)، آن (او)، کجا (نرده)، برای (ایچون)، یا (یوخسه)، دبستان (مکتب) (همان: ۵).

ترکیب: ... کدام کتاب را خوانده‌ای، گلستان را. بوستان هم خوانده‌اید؟ ما نخوانده‌ایم.

ایشان خوانده‌اند. این را شما نوشته‌اید؟ نه من ننوشته‌ام ...» (همان: ۷).

مؤلف بر همین منوال پیش می‌رود و، ذیل عناوینی به ترتیب زیر، نمونه‌هایی می‌آورد:

ماضی نقلی: مثل بودم (ایدم)، بودی (ایدک)، ...؛ حکایه حال ماضی: مثل می‌کردم (ایدیوردم)، می‌کردی

۱. در زبان ترکی، این ضمایر به صورت ساده برای بیان فاعل یا مسندالیه به کار می‌رود. در موارد مفعولی و متممی، پسوند خاص هریک (یا به بیان خود مؤلف، «مفعول ادواتی») می‌گیرند.



(ایدیوردک)، ...؛ مستقبل: مثل خواهیم رفت (گیدجکم)، خواهی رفت (گیدجکسک)، ... و صورت منفی آن؛ امر حاضر: مثل پرس (صور)، فرمای (بیور)، ایست (طور)، ...؛ مصادر شاذة<sup>۱</sup> مشهور (که قاعده معمول در باب مصادر در آنها صدق نمی‌کند)؛ مثل گوی (سویله = دی) ← گفتن (سویلمک = دیمک)، آرای (تزیین ایت) ← آراستن (تزیین ایتمک)، نگر (باق) ← نگرستن (باقمق)، گسل (قوپار) گسیختن (قوپارمق)، آفریدن (یراتمق) ← آفرین (یرات)، ... مضارع: مثل آیم (کلورم)، آیی (کلور)، ...، حال و مضارع: مثل می‌آیم (کلیورم)، می‌آیی (کلیورسک)، ...، اسم فاعل: مثل آینده (کلان).

ظاهراً در این مرحله فصل دیگری از کتاب آغاز می‌شود، با عنوان «در بیان اسم»، که اسامی در آن به دو نوع تقسیم شده‌اند: بسیط مانند مرغ (قوش)، ماهی (بالق)، باد (روزگار)، ...؛ و مرکب مانند شترمرغ (دوه‌قوشی)، سنگ‌پشت (قپلومبغه)، آتشدان (اوجاق)، دوربین (اوزاگی کورر آلت)، ... در عنوان بعدی، یعنی «صفت»، صفت‌ها نیز، مانند اسم، به دو نوع تقسیم شده‌اند: بسیط مانند نیکو (ایو)، کج (اکری)، زیبا (یاقشقلی)، ...؛ و مرکب مثل نیکومنش (طبیعتی ایو)، راسترو (کیدشی طوغرو)، جوانمرد (الی آچیق آدیم)، دلبر (کوکل آلوب کیدن)، خاطرنواز (خاطر اوخشیان)، ...

مؤلف سپس بحث مصادر را ادامه می‌دهد و دسته‌ای از «مصادر قیاسیه<sup>۲</sup> مشهوره» را در چند مرحله به ترتیب الفبایی و همراه با لغات و کاربرد آنها در قسمتی از مقالات پیر هرات<sup>۳</sup> به پایان می‌رساند؛ مصدری مثل آرامیدن (دکلنمک)، اوباریدن (یوتمق)، غلتیدن (یوارلنمق)، گذشتن (کچمک)، لُندیدن (مِردلنمق)، وزیدن (اسمک)، ... — که قواعد ساخت آنها در کتاب توضیح داده شده است. در فصل نهایی، با عنوان «مورد استعمال متحد اولان ضروب الامثال»، مؤلف توضیح داده که بعضی از این ضرب‌المثل‌ها، به لحاظ واژگان و مقصود، با ضرب‌المثل‌های زبان ترکی متحد و یکسان‌اند، مثل تیغ غلافش را نبرد/ قلیچ قیننی کسمز؛ بعضی‌ها مختلف‌اند، مثل آخر گذر پوست

۱. منظور از واژه «شاذه» احتمالاً افزون بر اندک بودن نمونه‌ها، نداشتن قاعده نیز بوده است.

۲. مؤلف زمان‌های پر کاربرد در زبان فارسی را با زبان ترکی معادل‌یابی کرده است، که البته صحیح‌تر از روش عکس آن است که در کتاب قواعد فارسیه مشاهده شد.

۳. ظاهراً منظور از واژه «قیاسیه» قاعده‌مندی است.

۴. اثری است از دانشمند و عارف صوفی مسلک قرون چهارم و پنجم، خواجه عبدالله انصاری، معروف به پیر هرات.

به دباغخانه است/ نهایت درنیک کلهجکی بر دباغدر دکانیدر؛ و بعضی متفاوت‌اند، مثل پهلودار است/ آرقه‌لیدر<sup>۱</sup>. بر همین اساس، از این وجوه ثلاثه، هر کدام که باشد، معلم، در مقابل معنای جمله فارسی، معادل ترکی آن را آورده است و برای فهم طلبه، در قسمت بالای هر گروه از ضرب‌المثل‌ها، لغات به‌کاررفته و معانی آنها را برای مراجعه گنجانده است؛ نمونه‌هایی از سه وجه مذکور: ۱. متحد: آمدن بارادت رفتن باجاست/ کلمک ارادیله کتمک اجازیله؛ ۲. مختلف: بی پیر مرو تو در خرابات/ دلپلسز جنته کیدلمز<sup>۲</sup>؛ ۳. متفاوت: خرس پنیر دید/ اشک قارپوز قیوگی کوردی<sup>۳</sup>، یا فتنه در خوابست بیدارش مکن/ اوپور ارسلانک قویروغنه باصمه<sup>۴</sup>.

در انتها، پس از درج قطعه‌شعری از هاتف اصفهانی در پند فرزند خود، دوازده بیت شعر ترکی در حق استاد می‌آورد تا شاگردان آن را به زبان فارسی ترجمه کنند. بیت نخست: والدینکن اول، ای اولاد/ سکا فرض اولدی حرمت استاد...؛ بیت پایانی: بوری تقدیم قیل بو حاله کوره/ حق استادی مادر و پدره (همان: ۳۸-۳۹).

## ۲-۲-۲ روش و نکات

در اینجا به روش کلی کتاب در ارائه قواعد و آموزش آن و برخی ویژگی‌ها و نیز کاستی‌ها یا اشکالاتی که در آن به چشم می‌خورد اشاره می‌شود:

۱) هرچند اظهار نظر قطعی درباره شیوه تدریس در این کتاب ممکن نیست، این کتاب را می‌توان گونه‌ای ابتدایی و کم‌رنگ از تلفیق روش کلاسیک یا روش ترجمه - دستور محور<sup>۵</sup> و برخی روش‌های نوین در آموزش زبان فارسی دانست؛ مثل متن محور<sup>۶</sup> - که به دلیل کاربرد

۱. ترجمه: دارای حامی است یا، به اصطلاح، پشتش گرم است. در جای دیگر، معادل آن را آورده است: آرقه‌سی محرابده‌دیر.

۲. ترجمه: بدون راهنما به بهشت داخل مشو.

۳. ترجمه: خر پوست هندوانه دید.

۴. ترجمه: پا روی دم شیر خفته مگذار.

مقولات در درون جملات مرتبط به هم است - یا موضوع محور<sup>۱</sup> - که به دلیل تمرکز بر امثال مشترک در دو زبان مبدأ و مقصد و درج بخش‌هایی از مقالات پیر هرات (موضوع عرفان) است<sup>۲</sup>. همچنین ساختار کتاب به گونه‌ای کل‌گرا<sup>۳</sup> و سلسله‌مراتبی است و هر مرحله پایه و مبنایی برای مرحله بعدی شده است؛ در عین اینکه تا حدی به شکل سنتی آموزش دستور بر مبنای مقوله‌بندی صرف همچنان پایبند بوده است، رویکرد مفهومی و ساختار متنی مثال‌ها و کاربردها و ارتباط علی یا زمانی بین آنها، در بخش‌های نخستین کتاب، تا حد زیادی آن را با روش‌های پیش از خود متمایز کرده است. بدین ترتیب، کتاب از کلیتی نسبی و معنادار برخوردار شده که در سهولت یادگیری و درونی‌سازی<sup>۴</sup> آموخته‌ها در ذهن زبان‌آموزان نقش اساسی دارد. البته ناگفته نماند که روش ترجمه - دستور محور در دوران مدرن نیز یکی از روش‌های شناخته‌شده با هدف افزایش ادراک و توانمندی ادبی و آشنایی با متون هنری کلاسیک است.

۲) معلم محور است، چرا که حضور فیزیکی معلم را در همه جا می‌طلبند، البته نه به آن معنا که یکطرفه باشد، بلکه در مقام کسی که زبان‌آموز را در حل تمرینات و تفهیم مطالب یاری کند و یک ارتباط دوگانه برقرار نماید؛ چنان که در انتها شعری برای ترجمه در نظر گرفته شده و اصولاً بحث ضرب‌المثل‌ها بسیار جذابیت دارد و مفتاح باب گفتگوهای بسیار متنوع است.

۴) از کاستی‌هایی که می‌توان برشمرد، جدای از برخی قواعد که احتمالاً در کتاب‌های سنوات آتی قرار بوده بیاید، در همین کتاب، در ذکر صورت منفی، صرفاً مثال‌هایی برای زمان مستقبل آورده است؛ و شاید به این دلیل بوده که این زمان شامل فعل کمکی خواستن است و نون نفی به این قسمت از فعل اضافه می‌شود.

1. topical-based method

۲. برای آگاهی بیشتر درباره روش‌های آموزش زبان ← Richards & Rodgers

3. holistic

4. internalization

۴) پیشوند «می» نشانهٔ حال در مضارع و نشانهٔ «حکایهٔ حال» در ماضی در نظر گرفته شده است؛ این اسامی، چنان که در کتاب فراشری نیز وجود داشت، با زمان‌های فعل در زبان ترکی مطابقت دارد؛ چراکه مثلاً مضارع در زبان ترکی معادل مضارع التزامی در زبان فارسی آمده است. حتی یکدستی نیز بین کتاب‌ها وجود ندارد؛ در کتاب فراشری یک زمان حال و یک زمان مضارع وجود داشت، در این کتاب به جای آنها به ترتیب یک زمان «مضارع» و یک زمان «حال و مضارع» آمده است. مثال:

در زمان حال و مضارع: مضارع اولنه «می» کلور؛ مثال: آیم ← می‌آیم.

در زمان حکایهٔ حال ماضی: کردم ← می‌کردم.

اما برخی نکات کاربردی ضروری در زبان فارسی را از نظر دور نداشته است؛ مثلاً برای صورت امر حاضر، پس از اینکه طرز ساخت آن را توضیح می‌دهد، به لزوم افزودن پیشوند «ب» در آن تأکید کرده و صورت‌های دیگر را برای آن صرف نکرده است. اما در قواعد فارسیه وجه امری با مضارع در صورت فارسی افعال یکی شده است:

### امر

### مضارع

باورد (اینانور)، باورید (اینانوریکز)، باور (اینان)، باورد (اینانسون)،

باورند (اینانورلر)، باورید (اینانکز)

۵) ادوات مفعول شامل حرف نشانهٔ مفعول «را» و حروف اضافه (به، در، از) است؛ به نظر می‌رسد هر آنچه اعم از مفعول یا متمم در تکمیل معنای فعل و پیام لازم بوده مفعول نام داشته است.

۶) «ترکیب»‌ها، که عنوانی برای جملات یا متون تمرینی است، تا حدودی دارای معناست که از نظر زبان‌شناختی کاربردی حائز اهمیت است؛ برای نمونه:

میرزا حسن بفرما. ببین میرزا جعفر آنجاست؟ آری آنجاست. قلم تراش مرا از او بخواه. اگر داد، بستان و بیاور ... دیروز از دوستان شما یکی آمده بود شما را می‌خواست. که بود؟ نامش را نه پرسیدی؟ پرسیدم، نامش میرزا کاظم بود. آری آری شناختم (فیضی: ۱۴-۱۵).

که یک یا دو مکالمهٔ کوتاه است.

### ۳-۲ تدریسات فارسیه

تدریسات فارسیه نوشته احمد کشفی، با مجوز معارف نظارت جلیله، در استانبول، مطبوعه قصاب در سنه ۱۳۱۰ چاپ شده است. مؤلف ابتدا تحت عنوان «سخنی چند» (بر قاچ سوز)، پس از اظهار ارادت و ستایش و سپاس به سبب مساعدات همایونی و ولی نعمت خود و التماس توجهات آن جناب، بیان کرده که وی در مدتی که در مرکز ولایت جلیله قسطنیونی در مکتب اعدادی ملکیه بوده این کتاب را نوشته است. همچنین گفته است:

زبان فارسی یکی از شعبه‌های مهم زبان عثمانی ماست. فراگیری این زبان لطیف از نیازهای مبرم بوده و لزوم دانستن آن برای درست‌نویسی و درست‌خوانی زبان عثمانی محرز است. ... امید است آن‌ان که تمایل به آموختن این زبان دارند، به‌ویژه خوانندگان تدریسات فارسیه، با من هم‌زبان باشند که کتاب‌های قواعد فارسی موجود نیاز زبان‌آموزان را برآورده نمی‌کند. ... این کتاب، در نهایت سعی این حقیر، کامل‌تر، دقیق‌تر و مطلوب‌تر تدوین شده است. فقط نوبت دوم چاپ این کتاب به دلیل افزودن تصحیحاتی که به نظر می‌رسید به تأخیر افتاد ... (کشفی: ۲-۳).

### ۱-۳-۲ ساختار کتاب

به دلیل مفصل بودن مباحث، تنها به ذکر اجمالی عناوین اکتفا می‌شود. این کتاب شامل مباحث زیر است، که در انتهای هر مبحث لغات و تمرینات مربوط ارائه شده است:

**مقدمه:** حروف فارسی که ۲۴ تاست و به اعتبار نوشتار بر دو قسم متصله و منفصله (مثل د، ذ، ر، ز) است و به اعتبار معنا دو قسم بی‌معنی (حروف هجا) و معنادار (ادوات) را در بر می‌گیرد.

**اسم:** تعریف و ذکر گونه‌های آن: عام - خاص، مشتق - جامد، بسیط - مرکب، کیفیت - کمیت.

**اضافت:** بر سه نوع است: لامیه برای بیان نسبیت یا ملکیت، بیانیه برای بیان جنس، تشبیهیه برای بیان مشابهت.

**اسم اشارت:** شامل تعریف آن، انواع، قواعد مفرد و جمع و قواعد حذف مشارالیه.

**مبهمات:** بیشتر کلمات پرسشی را شامل می‌شود: چه، که، کدام، چون، چگونه، چند ... و قواعد تفصیلی هر یک.

**ضمیرلر:** که به چهار نوع تقسیم شده است: ضمائر شخصی (ضمائر منفصل)، اضافی (ضمائر متصل)، نسبی (ضمائر متصل مخفف فعل اسنادی)، فعلی (شناسه‌ها).

**صفات:** شامل تعریف و ذکر انواع آن — که سماعی و قیاسی است — و ترکیب وصفی. **صفات قیاسیه:** منظور صفات باقاعده است که به انواع زیر تقسیم شده است:

**الف) وصف ترکیبی:** ۱) برداشتن اضافه، مثل دل آگاه ← دل آگاه (اویانیق کوللی)، ۲) جابه‌جایی اضافه، مثل فام سرخ ← سرخ‌فام (قیرمیزی رنکلی)، ۳) تشبیهی، مثل سروقد (سروی بویلی)، ۴) از گروه افعال، مثل دلگشا (کوکل آچیجی)، ۵) برگرفته از جمله اسنادی، مثل خانه‌بردوش (اوی اوموزنده).

**ب) اداتر علاوه‌سیله یا پیلان صفتلر (صفتی که با افزودن ادات ساخته می‌شوند):** ۱) ادات نسبت: آهنین (دمیردن)، فرحناک (فرحلی)، برادرانه (قارداشجه)، ۲) ادات تشبیه: بهشت‌آسا (جنت‌گیبی)، ماه‌وش (آی‌گیبی)، ۳) ادات سلبی: بیخرد (عقلسز)، ۴) ادات لیاقت و استعداد: گفتنی (سویلنه‌جک)، ۵) اعداد وصفیه: پنجم (بشینجی)، ۶) ادات با و ب: بهنگام (وقتنده).

**ج) مشتق صفتلر:** ۱) اسم فاعل: نویسنده (یازیجی، یازان)، ۲) اسم مفعول: گفته (سویلیمش)، ۳) صفت مشبیه: دانا (بیلیجی)؛ صفات سماعی: در کتاب ذکر شده است که این صفات، در حالی که مشتق‌اند، در شمار صفات سماعی‌اند: آموزگار (اوکریدیجی، معلم)، آمرزگار (غفو ایدیجی)، خریدار (آلیجی).

**اسم عددلر:** شامل چهار نوع است: اعداد اصلیه، اعداد وصفیه (از صفات قیاسی‌اند)، اعداد کسریه، اعداد توزیعیه.

**فعللر:** این بخش شامل سه مبحث کلی است: ۱) اصل فعل (مصادر و انواع دالی و تایی و بسیط و مرکب آن)؛ ۲) ذات فعللر (فعل به معنای حقیقی) مثل ماضی شهودی، امر حاضر و قواعد آن، مضارع، استقبال، فعل التزامی، فعل وجوبی (همراه با بایستن)، معلوم — مجهول (در تمام زمان‌های فعلی)، حکایت و روایت فعللری (مثل حکایه ماضی نقلی و روایت ماضی

نقلی — که همان ماضی بعید است)، افعال اقتداری (همراه با توانستن)، مثبت و منفی، تعدیه؛  
 ۳) فرع فعللر (مشتق از فعل) مثل حاصل مصدر، اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیهه.  
**ادوات:** بخش ادوات، هر آنچه مقولات پیش گفته را در بر می گیرد به صورت فهرست  
 الفبایی، شبیه به فرهنگنامه، مرتب و در ۹۴ مدخل بیان شده است؛ اعم از وندها، حروف  
 اضافه، حروف ربط، قیود، شبه جمله و ... که بسیار مفصل و با مثال ها و تمرینات همراه است.  
 از این رو، تنها به ذکر چند نمونه بسنده می شود (← کشفی: ۷۹-۱۱۰):  
 که ... بعضاً «از» موقعنده ادات بیان اولور: در بیابان فقیر سوخته را شلغم پخته به که نقره  
 خام (گلستان).

سار، زار گیبی اسم مکان اداتیدر: کوهسار (طاغلق)؛ بعضاً صفت اداتی اولور: شرمسار  
 (محبوب)؛ بعضاً ده زائده اولور: از شاخسار افتاد (دالدن دوشدی).  
 هرآینه، ادات تأکیددر، اصلی عربی اولان «البته» فارسیسیدر: هرآینه بیایی (البته  
 کلیرسک).

## ۲-۳-۲ روش و نکات

در اینجا به روش کلی کتاب در ارائه قواعد و آموزش آن و برخی ویژگی ها و نیز کاستی ها یا  
 اشکالاتی که در آن به چشم می خورد اشاره می شود:  
 ۱) از ویژگی های ممتاز این کتاب شمول و فراگیری آن است. محتوای آن بسیار دقیق  
 و جامع و توضیحات شفاف و صریح است. افزون بر این، ترکیبی است از شیوه های دو کتاب  
 پیشین با تفاوت هایی ظریف و جزئیات بیشتر. به عبارت دیگر، مؤلف سعی کرده است هم  
 قواعد دستوری را با تمام آنچه دانستن آن برای زبان آموز ممکن است نیاز باشد به گونه ای  
 بیاورد که او، دست کم در اصول، آن را در قالب شیوه ای جدید و ملموس از تعریف خود زبان  
 بیاموزد نه زبان دوم یا بیگانه، و هم ذهن او را به کار گیرد و او را در فراگیری زبان، با به کار  
 بردن آن قواعد در جمله و متن، یاری دهد.

- برای نمونه، در تعریف اسم گفته است: در ترکی اسم کلمه‌ای است که خبر از شخص یا خود یک شیء می‌دهد. در فارسی نیز همان است؛ یعنی هر آنچه می‌فهمیم از طریق بوییدن، دیدن، شنیدن، چشیدن، یا ادراک ذهنی، مثل آواز، نامه، مرد، خرد، شیر... .

- یا در جزئیات رسم‌الخط و قواعد آن تا حد امکان وارد شده است: مثلاً یک گروه از کلمات در آخر آنها یاء ممدود هست و الف خوانده می‌شود: تمنی، تمناء؛ یا در گروه دیگری بعضی حروف به حروف دیگر قلب می‌شوند: سفید به سپید، کج به کز، نوشتن به نبشتن.

- یا در تعریف اشتقاق، به شکلی متفاوت اما ساده‌تر، گفته است: مشتق اسمی است که مصدری برای آن یافت شود و جامد اسمی است که مصدری برای آن یافت نشود، مثل باران (یاغمر) از باریدن (یاغمق)، ترس (قورقو) از ترسیدن (قورقمق)، و شکوفه (چیچک) از شکفتن (آچیلیمق)؛ در مقابل خانه (او)، در (قاپو).

- همچنین، به طور دقیق، به رسم‌الخط فارسی توجه کرده است: مثل حذف «ه» پایانی در صورتی که به کلمه دیگری بدل نشود: مثل سایه+ها ← سایها؛ در مقابل لاله+ها ← لاله‌ها؛ یا اضافه شدن یاء به اسامی مختوم به الف و واو در هنگام جمع بستن با «ان»: هما ← همایان، تیهو ← تیهویان.

- در جایی به نکته بدیعی اشاره کرده است که کمتر توجه اهل زبان را به خود جلب کرده است: مثلاً واژگانی چون امروز و امسال و امشب را، در اصل، ترکیب «این» با روز و سال و شب دانسته است. البته شاید، در واقع، نوعی ادغام صورت گرفته باشد.

- یا در ضمائر نسبی آورده است: اگر از نیست ضمیر نسبی (ست) را حذف کنیم، نی باقیمانده به معنای «نیست» و «خیر» است، اما اگر از هست ضمیر نسبی را برداریم، آنچه می‌ماند مفید معنایی نیست.

۲) به تفاوت‌ها و تشابهات اساسی دو زبان دقت کرده و حتی بعضاً به تفاوت‌های فارسی و عربی و تداخلات این دو زبان در یکدیگر نیز اشاره کرده و گاه آنها را به تفصیل بیان کرده است؛ مثلاً در باب حروف، واج‌های مخصوص به عربی و فارسی را ذکر کرده است؛ در



مورد انواع اسم اشاره آورده است: «مشارالیهلرک سویلنمه‌دیکی زمان اسم اشارت‌لرک جمع‌نله‌بیلمه‌سی قاعده‌سی تمامیله عثمانلیجه‌ده ده جاریدر» (قاعده جمع، هنگامی که مشارالیه با اسم اشارت نمی‌تواند همراه شود، همان قاعده زبان عثمانی است).

۳) در انتهای هر مبحث، لغات و تمرین‌هایی به طور منظم ارائه شده است، مانند آنچه در اصول فارسی مشاهده شد. از این رو، وجه کاربردی زبان و نیز چالش‌انگیزی لحاظ شده است. شایان ذکر است که این شیوه در کتاب‌های بعدی دستور به تدریج عمومیت یافته و پررنگ‌تر شده است؛ مثل کتاب مفصل فارسی (یکی<sup>۱</sup> صرف و نحو) از احمد جودت خواجه‌زاده، که در آن، مثال‌های فراوان هر درس، تحت عنوان «تطبیقات» و همچنین «تمرینات»، بخش اعظم کتاب را در بر می‌گیرد و شامل هر دو شکل ترجمه از فارسی به ترکی و بالعکس در سبک ادبی (برگرفته از متون ادبی) و رسمی و نیز قسمت‌هایی با عنوان «ممارسه» است — یعنی تمرین‌هایی که برای تشخیص مطالب آموخته‌شده، مثل انواع اضافات، توصیفات، اسماء و تجزیه و تحلیل جملات و ... داده شده است (← جودت خواجه‌زاده).

۴) در این کتاب، به‌واژه اکتفا نشده و به جمله‌سازی نیز توجه شده است؛ چراکه دستورنویس به لزوم کاربرد قواعد در یک زمینه معنایی واقف بوده است، اما در بخش‌های ابتدایی کتاب، خود جملات به هم مرتبط نیستند و یک کل واحد نمی‌سازند. به عبارت بهتر، از سطح جمله فراتر نرفته و به متن‌پردازی و تأثیر مضاعف معناداری در یادگیری و به‌خاطر‌سپاری توجه نداشته است. اما به تدریج، در قسمت‌های انتهایی کتاب، بخش‌هایی از متون کهن مثل گلستان را در تمرینات گنجانده است. این رویکرد به متون در کتاب‌هایی چون رهبر فارسی<sup>۲</sup>، از حبیب افندی در ۱۳۱۰ق، که برای آموزش زبان فارسی در مدارس تدوین شده، اهمیت یافته و با هدف قرائت فارسی تدریس می‌شده است.

۵) هرچند توضیحات بسنده است، حضور معلم برای کمک در حل تمرینات و مباحثه ضروری است.

۱. یکی، واژه‌ای ترکی به معنی «جدید»

۲. حبیب افندی، رهبر فارسی، [بی‌نا]، در سعادت (استانبول) ۱۳۱۰ق.

۶) البته ایرادتی نیز وجود دارد که شاید ناشی از نبود یک الگوی درستِ دستورنویسی در زبان فارسی بوده باشد، که البته اکثر دستورنویسان ترک مبتلابه بوده‌اند و آن تقسیم‌بندی و نام‌گذاری افعال است، که در مورد دو کتاب پیشین نیز بحث شد، مؤلف گفته است: «فعل: لسان عثمانیده فعل اوچه تقسیم اولنور، برینجیسنه اصل فعل، ایکینجیسنه ذات فعل، اوچنجیسنه فرع فعل تسمیه اولنور، بزده اوپله یاپه‌لم»، که نشان می‌دهد اساس دستورنویسی آنها بیشتر ترکی بوده است؛ جز در موارد تغییر و تبدیل حروف در ساخت واژه و قواعد حذف و اضافه آنها که منحصر به طبیعت زبان فارسی است و برخی ملاحظات ادبی.

- در بحث صفت تفضیلی (برتر) و صفت عالی (برترین) در این کتاب، همانند کتاب نعیم فراشری، گونه‌ای ابهام در فهم آن مشاهده می‌شود. ظاهراً مؤلف «ین» را که به صفات سماعی اضافه می‌شود، (مثل نو ← نوین) و حکم تأکید را دارد همان صفت عالی دانسته است. همچنین در ساخت برخی جملات تفضیلی اشکال هست: «این گوسفند از آن بز سیاه بسیار خوب است»؛ یا در مواردی هم کلماتی را در بافت نامناسب قرار داده‌اند: «به من از اینجا شش خامه ستان»، که ممکن است ناشی از تأثیرپذیری از سبک ادبی و کهن فارسی باشد.

- در هر سه کتاب البته به این نکته توجه نشده است که نشانه مصدری تنها «ن» است و دال و تاء جزو ماده فعل است: گفت+ن ← گفتن، برد+ن ← بردن؛ و کلاً ماده‌های فعلی در زبان فارسی دو نوع است: مختوم به تاء و مختوم به دال. از این رو، ناگزیر استثنائاتی چون خویشتن و گردن را قایل شده‌اند. همچنین، به تبع آن، خود را به رنج افکنده و مصادر را با توجه به حروف قبل از «دن» و «تن» دسته‌بندی کرده‌اند؛ مثل مصادر دالی رای (پروردن)، مصادر تایی شینی (داشتن) و ... و باز استثنائاتی برای آن قایل شده‌اند؛ مثل آمدن، شدن، زدن، ستن، که ظاهراً در تقسیم‌بندی آنها نمی‌گنجیده است. یا در مختصر اصول فارسی، فرایند ساخت امر حاضر را از مصدر آغاز کرده و توضیح داده است (یعنی حذف دِن و تِن از مصدر و قواعد قلب حروف پایانی، مثل تبدیل «ف» به «ب»، «سب» به «ه»، «خ» به «ز» و... مانند یافتن ← یاف ← یاب؛ یا قواعد حذف، مثل حذف شدن «الف» و «ی» ماقبل نشانه‌های مصدری: ایستادن ← ایستا ← ایست؛ پرسیدن ← پرس؛ و به تبع آن، ذکر مصادر شاد و...).

- در بحث فعل به تفصیل و کامل وارد شده است، اما همان نگرش استقرائی و نیز تأثیر زبان کهن در آنها مشهود است؛ برای نمونه، در مورد افعال اقتداری آورده: توانستیم نمود (گوستره بیلرم)، توانستند نمود (گوستره بیلرلر)، توانم برد (گوتوره بیلرم)، توانی برد (گوتوره بیلرسک). اما در مورد افعال وجوبی که همراه با بایستن صرف می‌شود، احتمالاً در صرف افعالی مثل باید دیدم (گورملییم)، باید دیدی (گورملیسک)، باید دیدیم (گورملییز) دچار اشتباه سهوی شده است؛ چراکه نمونهٔ مشابه را در مورد فعل نمودن درست صرف کرده است: باید بنمایم (گوسترملییم)، باید بنمایی (گوسترملیسک).

### ۳ نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه از مقدمهٔ کتاب‌های دستور زبان فارسی در آسیای صغیر برمی‌آید، زبان فارسی از زبان‌های بسیار مهم بوده و نیاز مبرم به فراگیری آن وجود داشته است و دستورنویسی فارسی نیز منبعت از این احساس نیاز بوده و کتاب‌های زیادی در این زمینه به ظهور رسیده است. این آثار در دو دستهٔ عمده‌اند: (۱) کتاب‌هایی که برای آموزش در مدارس، و در سطوح مقدماتی تا پیشرفته، موجز و ساده نوشته شده‌اند (۲) کتاب‌هایی که برای مخاطبان و علاقه‌مندان در سطح وسیع و به طرزی جامع و مفصل به نگارش درآمده‌اند. بررسی این آثار در طول تاریخ نشان می‌دهد که این امر، تحت تأثیر تغییرات اجتماعی و سیاسی، دستخوش تحولاتی شده است و به مرور، با باز شدن درهای نفوذ غرب، از محصور ماندن به سبک و روش شرقی خارج شده و به سمت شیوه‌های مدرن پیش رفته است. به بیان بهتر، روش آموزش زبان فارسی از تکیه بر دستورنویسی قاعده‌محور و سنتی قرون نهم و دهم هجری در کتاب‌هایی نظیر تاج‌الرؤوس و غرة‌النفوس، قواعد و فواید و دقایق الحقایق به تدریج به سمت شیوه‌های نوین در دورهٔ تنظیمات سوق پیدا کرده است؛ در کتاب‌هایی مثل قواعد فارسیه بر طرز نوین که از قید الگوهای عربی خارج شده است، و در تدریسات فارسیه که به تمرین و به‌کارگیری ذهن و اندیشهٔ زبان‌آموز توجه کرده، و در مختصر اصول فارسی که به مباحثه

و گفتگو بین معلم و زبان‌آموز در موضوعات گوناگون ادبی و فرهنگی روی آورده است. در این دوران تحول، کتاب‌های بسیار متفاوت‌تری در زمینه آموزش همچون رهبر فارسی از حبیب افندی که یک کتاب درسی برای قرائت فارسی و متن‌محور است و کتاب فارسی (یکی جدید) صرف و نحو) از جودت خواجه‌زاده که بسیار کاربردی و همراه با تمرینات گوناگون است و بسیاری کتاب‌های متنوع دیگر تألیف شده است. این مطالعات نکات مهمی را در امر آموزش زبان به غیرفارسی‌زبانان و نیز ارتباط دوگانه آن با اوضاع اجتماعی آشکار می‌سازد، که می‌توان در تدوین کتاب‌های آموزشی از آن بهره جست.

### منابع

- ابن عربی، محی‌الدین محمد بن علی، فصوص‌الحکم، کتابخانه دولتی باواریا، مونیخ ۱۷۳۷م.
- اینال صاوی، سائمه، «دستورنویسی در دوره تنظیمات»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ش ۲۳، سال ۱۳۵۵، ش ۲/۱، ۲۸۸-۲۹۴.
- باطنی، محمدرضا، نگاهی تازه به دستور زبان، آگاه، تهران ۱۳۷۴.
- باقری، مه‌ری، مقدمات زبان‌شناسی، قطره، تهران ۱۳۷۵.
- بزرگ بیگدلی، سعید، «مقدمه» بر قواعد فارسیه بر طرز نوین ← نعیم فراش‌ری.
- بلعمی، ابوعلی محمد، تاریخ بلعمی (تکلمه و ترجمه تاریخ طبری)، تصحیح محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا)، به کوشش محمد پروین گنابادی، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۱.
- تمامی، قواعد و فوائد (تألیف ۹۸۶ق)، دست‌نویس محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی، به شماره ۲۳۳.
- جودت خواجه‌زاده، احمد، فارسی (یکی صرف و نحو)، مکتب حربیه مطبعه‌سی، قسطنطنیه، ۱۳۲۴ق.
- دانش پژوه، محمدتقی، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دو جلد، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- داوایسون، رودریک، «آموزش غربی در ترکیه عثمانی»، امپراتوری عثمانی در عصر دگرگونی تنظیمات، به کوشش خلیل اینال‌جیق و محمد سید دانلی اوغلو، ترجمه رسول عربخانی، پژوهشکده تاریخ اسلام، تهران ۱۳۹۱، ص ۵۴۹-۵۶۷.

رشنوزاده، «دستورنویسی فارسی در آناطولی و بالکان»، دانشنامهٔ ادب فارسی: ادب فارسی در آناطولی و بالکان، به سرپرستی حسن انوشه، معصومی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۳۸۲-۳۸۵.

سامی فراشری، شمس‌الدین، قاموس ترکی، مطبعهٔ عامره، استانبول ۱۳۱۷ق.  
شیرازی، ابن‌یوسف، فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، ۳جلد، چاپخانهٔ مجلس، تهران ۱۳۱-  
۱۳۱۸.

طبری، محمد بن جریر، تفسیر طبری، ترجمهٔ علما و فقهای ماوراءالنهر، تصحیح و اهتمام حبیب  
یغمایی، هفت جلد، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۳۹.

فکرت، محمدآصف، فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۹.

فهرست کتابخانهٔ مجلس شورای ملی، ۳ جلد، تهران ۱۳۰۵-۱۳۵۰.  
فیضی، مختصر اصول فارسی، چاپ دوم، مطبعه و کتبخانهٔ شرکت مرتبیهٔ آرتین آصادوریان،  
استانبول ۱۳۰۷ق.

قره‌گزی، مهری و مهرداد اصغرپور ماسوله، کتاب‌شناسی توصیفی آرفا: آموزش زبان فارسی به  
غیرفارسی‌زبانان، زیر نظر محمد دبیرمقدم، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ۱۳۹۳.

قیصری، احمدبن اسحاق، تاج‌الرؤوس و غرةالنفوس (تألیف پیش از ۸۹۸ق)، نسخهٔ خطی محفوظ  
در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شمارهٔ ۲۰۱۶.

کشفی، احمد، تدریسات فارسیه، قصاب مطبعه‌سی، استانبول ۱۳۱۰ق.

کمال‌پاشازاده، احمدبن سلیمان، دقایق‌الحقایق، تألیف ۹۸۶ق، دست‌نویس محفوظ در کتابخانهٔ  
آستان قدس رضوی، به شمارهٔ ۲۳۳.

کین‌راس، لرد، قرون عثمانی (ظهور و سقوط امپراتوری عثمانی)، ترجمهٔ پروانه ستاری، کهکشان،  
تهران ۱۳۷۳.

مهیاری، محمد، کتاب‌شناسی توصیفی زبان و ادبیات فارسی (دستور زبان فارسی)، رشد آموزش زبان  
و ادب فارسی، ش ۴۵، سال ۱۳۷۶، ص ۲۸-۴۵.

نعیم فراشری، محمد، قواعد فارسیه بر طرز نوین، به کوشش و مقدمهٔ سعید بزرگ بیگدلی، مرکز  
مطالعات راهبردی روابط فرهنگی با همکاری دانشگاه تربیت مدرس، تهران ۱۳۹۶.

- Cook, Vivian and Mark Newson, *Chomsky's universal grammar: An introduction*, 2<sup>nd</sup> ed., Blackwell publishers, Malden, Massachusetts 1989.
- Crystal, David, *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, 5<sup>th</sup> ed., Blackwell, USA 2003.
- Larsen-Freeman, Diane, *Techniques and Principles in Panguage Teaching*, 2<sup>nd</sup> ed., Oxford University Press, Oxford 2003.
- Richards, Jack C. and Theodore S. Rodgers, *Approaches and Methods in Language Teaching*, 2<sup>nd</sup> ed., Cambridge Language Teaching Library, New York 2001.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی